

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

استاد پیدہ حسن خمینی

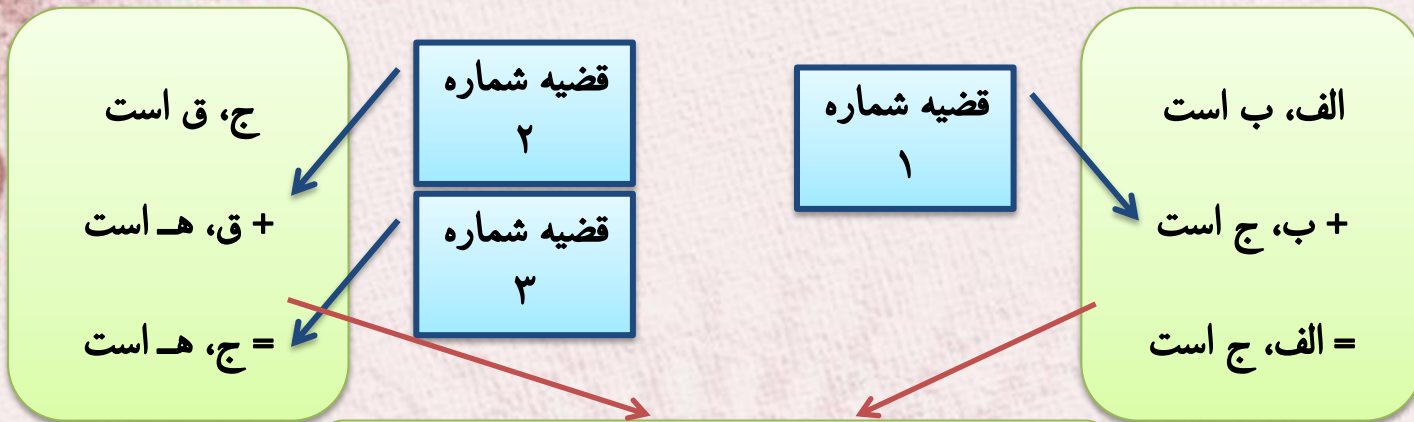
موضوع: تعریف علم اصول

جلسہ:

۴۷

تاریخ:

۱۸/۱۰/۸۹



الف. گاهی مسئله اصولی **کبرای** آخرین **قیاسی** است که نتیجه اش حکم فقهی است

مسئله اصولی، در طریق **اثبات صغرای** این قیاس است

مسئله اصولی، در طریق **اثبات کبرای** قیاس نهایی قرار می گیرد

ارتباط **سه گانه** مسائل اصولی با قیاس های فقهی

جایگاه شماره ۳

جایگاه شماره ۱

جایگاه شماره ۲

جایگاه شماره ۳

الف. گاهی مسئله اصولی کبرای آخرین
قیاسی است که نتیجه اش حکم فقهی
است

ارتباط سه گانه
مسائل اصولی با قیاس
های فقهی

مثال :

وضو مقدمه واجب است

+ مقدمه واجب، واجب است (مسئله اصولی)

= وضو، واجب است

جایگاه شماره ۱

مسئله اصولی، در طریق اثبات صغرای
این قیاس است

ارتباط سه گانه
مسائل اصولی با
قیاس های فقهی

مثال :

موضوع این روایت مشتق است

+ مشتق در ما انقضی عنه المبدأ حقیقت است (مسئله اصولی اول)

= موضوع این روایت، در ما انقضی عنه المبدء حقیقت است

+

موضوع این روایت، مورد امر واقع شده است

+ هرچه مورد امر واقع شده است، مصادیق حقیقی اش واجب هستند

= موضوع این روایت، مصادیق حقیقی اش واجب هستند

ارتباط سه گانه

مسائل اصولی با

قیاس های فقهی

مسئله اصولی، در طریق اثبات کبرای

قیاس نهایی قرار می گیرد

جایگاه شماره ۲

مثال :

حجیت خبر واحد نسبت به :

کسی که بیش از دو سال در مکه

بماند، حکم اهل مکه را دارد

+ حکم اهل مکه، آن است که از

جحفه محرم شوند

= چنین کسی از جحفه محرم

شود

مثال :

حجیت خبر واحد نسبت به:

نماز کسی که از خواب بیدار

شده است، بدون وضو است

+ نماز بدون وضو باطل است

= نماز چنین فردی باطل است

مثال :

حجیت ظاهر آیات نسبت به :

اجاره عقد است

+ عقد لازم الوفاء است

= اجاره لازم الوفاء است

گاهی در قیاس هایی که صغرای قیاس نهایی را می سازند به کار می روند

گاهی در قیاس نهایی به عنوان کبری به کار می روند

گاهی علت حجیت کبری در قیاس نهایی هستند

جمع بندی :
مسائل اصولی سه
دسته اند

اللهم الا ان يقال :

بسیاری از مسائل اصولی، کبرای قیاس فقهی نیست بلکه استدلال فقهی مبتنی بر آن است

به صورت قیاس های منطقی :

وضو مقدمه واجب است
+ هر چه مقدمه واجب است ، واجب است
= وضو واجب است

برخی به صورت استقراء تام هستند:

ما گشته ایم و دیدیم همه فقهاء کفار را نجس می دانند پس نجاست کفار اجماعی است

برخی مستقیما مضمون روایت هستند:

به گفته زرارة از امام صادق علیه السلام، نماز عید واجب است

استدلال های فقهی
چند گونه اند:

۱

۲

۳

تعريف
حضرت امام

القواعد الآلية التي يمكن ان تقع كبرى استنتاج الاحكام الكلية الالهية او الوظيفة العملية

نکته ۱۲

گاهی، حکم شرعی است

گاهی، نیز وظیفه عملی است

اشاره به نتایج
قیاس های فقهی

مشهور تنها از واژه «احکام شرعی فرعی»

دو نکته

مرحوم آخوند، از عبارت «الاحکام او التی ینتهی الیه فی مقام العمل» استفاده کرده است

سوال : چرا مرحوم آخوند، از عبارت مشهور دست کشیده است؟

«واقع نما» هستند

(در صدد هستند حکم واقعی خدا را معلوم سازند)

شامل «قطع و امارات»

«حیرت زدا» هستند

(یعنی اصلاً نمی گویند حکم واقعی الهی چیست بلکه در مقام عمل، مشکل شما را حل می کنند)

اصول عملیه

احکام فقهی
دو دسته اند

برخی حکم ظاهری هستند (طبق نظر مرحوم آخوند)

برخی حکم ظاهری نیستند (مانند برائت عقلی = صرفاً تجویز عقلی می کند)

اصول
عملیه

تعريف مرحوم آخوند :

« صناعة يعرف بها القواعد التي يمكن أن تقع في طريق استنباط الأحكام أو التي ينتهي إليها في مقام العمل بناء على أن مسألة حجية الظن على الحكومة و مسائل الأصول العملية في الشبهات الحكمية من الأصول.»

ادله ای که اصول عملیه را ثابت می کند حکم واقعی را معلوم نمی کند بلکه صرفاً در مقام عمل به کار می آیند

کلام مرحوم
آخوند:

بررسی کلام
مرحوم آخوند

تعبیر «الاصول العملیه فی الشبهات الحكمية» کامل نیست

ما می گوئیم :

لفظ «ما ينتهي اليه في مقام العمل» شامل تمام فتاوی مجتهد که به مقام عمل منتهی می شود، می باشد (مرحوم ایروانی)

اشکال حضرت امام
به مرحوم آخوند

مقدمه :

مقدمات انسداد

۱. علم اجمالی داریم که شارع احکامی را متوجه ما کرده است

۲. نمی توانیم به همه آنها علم پیدا کنیم

۳. همانند بهائم نمی توانیم هیچ کدام را انجام ندهیم

۴. انجام دادن همه اطراف اجمالی هم باعث عسر و حرج می شود

۵. ترجیح موهومات و مشکوکات بر مظنونات، ترجیح مرجوح است

سوال :

اگر مطلق احکام ظنی حجت است، آیا :

شارع این حجیت را جعل کرده است = کشف

یا عقل حاکم به این حجیت است = حکومت

توضیح کلام مرحوم شوشتری

اگر معنای حکومت (یعنی وجوب عمل بر

طبق ظن) باشد:

حرمت شربِ توتون، مظنون است

+ هر چه مظنون است «یجب العمل علی

طبقه عقلاً»

= حرمتِ شربِ توتون، «یجب العمل علی

طبقه عقلاً»

(= در این صورت از امارات عقلیه می

شود)

قیاسی که «ظن به حکم شرعی» کبری

قرار می گیرد:

حرمت شربِ توتون، مظنون است

+ هر چه مظنون است، حجت است عقلاً

= حرمتِ شربِ توتون، حجت است

پس: «حجیت ظن علی الحکومة» ربطی به «ینتهی فی مقام العمل» ندارد